

بررسی تعاملات کلامی قضات با وکلای در شهر مشهد از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی

الهه مداح شورچه^۱، بهمن زندی^۲، بلقیس روشن^۳، علی کریمی فیروزجایی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

Investigating Judges' Verbal Interactions with Lawyers in Mashhad from the Perspective of Forensic Sociolinguistics

Elahe Madah Shoorche^{*1}, Bahman Zandi², Belghis Rovshan³, Ali karimi Firozjaei⁴

1. Ph.D. Candidate of Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

2. Professor in Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

3. Professor in Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

4. Associate Professor in Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

Received: 2023/05/29

Accepted: 2023/06/24

10.30473/il.2023.68062.1598

Abstract

The aim of the present study is to investigate the effect of the social variables of age, gender and education of lawyers on the verbal interactions of judges with them in legal events in the framework of forensic sociolinguistics. The statistical population of the research includes lawyers in Mashhad, Iran, and the sample selection method is purposeful sampling until the saturation of information is reached. The research approach is qualitative research, its analysis method is thematic analysis and its tool is semi-structured interview. The subject of the research is to investigate the verbal interactions of judges with lawyers in legal events, such as hearings, interrogations, investigations and trials, in Mashhad, in 1401. For this purpose, the contents and themes of the interviews were coded in three stages. In an interview with 24 volunteers from available lawyers, it was found that superior and subordinate relationships prevail in legal events, and many judges exercise power through language. The results of the research show that the age, gender and education of lawyers have an effect on the way the judge speaks to them, answers and even issues a verdict. Gender has been of special importance and gender stereotypes are very prominent in this field. One of the important issues expressed by the lawyers in the interviews was the importance of the personality of the judge and the personality of the lawyer in the verbal interactions of the judges with the lawyers, which indicates that the personality of the people themselves is much more important and influential than their age, gender and education. In addition, increasing age is also an important variable, and many lawyers stated that the behavior of appeal judges is usually better because they are older, and lawyers also act more mature with increasing age. After all, in general, judges deal better with older lawyers both in tone and type of speech.

Keywords: Forensic Sociolinguistics, Verbal Interactions, Legal Events, Lawyers, Judges, Mashhad.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات وکلای بر تعاملات کلامی قضات با آنها در رویدادهای حقوقی در چهارچوب زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل وکلای پایه یک دادگستری شهر مشهد ایران است و روش انتخاب نمونه‌ها نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع اطلاعات است. رویکرد پژوهش کیفی، روش تحلیل آن مضمون و ابزار آن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. موضوع پژوهش بررسی چگونگی تعاملات کلامی قضات با وکلای در رویدادهای حقوقی، مانند جلسه‌های دادرسی، بازجویی، بازرسی و محاکمه، شهر مشهد در سال ۱۴۰۱ است. بدین منظور، محتوای مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری شدند. در مصاحبه با ۲۴ نفر داوطلب از وکلای در دسترس مشخص شد که در رویدادهای حقوقی روابط فرادستی و فرودستی حاکم است و بسیاری از قضات از طریق زبان اعمال قدرت می‌کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سن، جنسیت و تحصیلات وکلای در نوع کلام قاضی با آنها، پاسخ‌گویی و حتی صدور رأی تأثیر دارد. جنسیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و کلیشه‌های جنسیتی در این حیطه بسیار پررنگ هستند. یکی از مسایل قابل‌تأمل که در مصاحبه‌ها وکلای بیان کردند، اهمیت شخصیت قاضی و شخصیت وکیل در تعاملات کلامی قضات با وکلای بود که حاکی از این امر است که شخصیت خود افراد از سن، جنسیت و تحصیلاتشان بسیار مهم‌تر و تأثیرگذارتر است. علاوه بر این، افزایش سن نیز متغیر مهمی است و بسیاری از وکلای اظهار داشتند که قضات تجدیدنظر چون سن‌شان بالاتر است، معمولاً رفتارشان نیز بهتر است و وکلای نیز با افزایش سن مجرب‌تر عمل می‌کنند. از این گذشته، به‌طور کلی، قضات هم در لحن و هم در نوع گفتار با وکلای مسن بهتر برخورد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی، تعاملات کلامی، رویدادهای حقوقی، وکیل، قاضی، مشهد.

*Corresponding Author: Elahe Madah Shoorche

Email: Dr.Elahe.Madah@student.pnu.ac.ir

* نویسنده مسئول: الهه مداح شورچه

مقدمه

هرگونه تعامل کلامی^۱ یا غیرکلامی در رویدادهای حقوقی و قضایی^۲، مانند رویداد بازداشت، بازجویی، محاکمه، شکایت و دادرسی، را تعاملات حقوقی^۳ می‌نامند. اهمیت تعاملات کلامی حقوقی بر زندگی افراد جامعه را نمی‌توان انکار کرد. اکثر درگیری‌ها، پیش‌داوری‌ها و دشمنی‌های بین افراد از زبان منشاء می‌گیرند و متغیرهای اجتماعی، مانند سن، جنسیت و تحصیلات و کلا^۴ و همچنین، پیش‌داوری و دیدگاه فکری کارگزاران حقوقی^۵ تأثیر انکارناپذیری بر تعاملات کلامی حقوقی دارند. از آنجاکه پژوهش‌های اندکی پیرامون تعاملات کلامی حقوقی در رویدادهای حقوقی ایران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی^۶ انجام شده است، نگارندگان بر آن شدند که تأثیر این متغیرهای اجتماعی را بر تعاملات کلامی حقوقی فارسی‌زبانان در چهارچوب زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی به‌طور جامع‌تر بررسی نمایند. بنابراین، در این پژوهش به بررسی عملکردهای زبانی در رویدادهای حقوقی، با هدف بررسی سوگیری‌های کلامی قضات^۷ در برخورد با وکلا پرداخته و تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات و کلا در نوع کلام قضات با آن‌ها چه تأثیری دارد. تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون هیچ تحقیقی به بررسی تعاملات کلامی قضات با وکلا در رویدادهای حقوقی شهر مشهد، با توجه به متغیرهای اجتماعی ذکرشده در چهارچوب زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی نپرداخته است تا اهمیت و چگونگی تأثیرگذاری این متغیرها را در رویدادهای حقوقی شفاف نماید. از آنجا که شناسایی متغیرهای مؤثر در تعامل کلامی به برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت زبان حقوقی و پیشبرد پرونده توسط وکیل کمک می‌کند. انجام این پژوهش برای مشخص شدن نقش این متغیرهای اجتماعی در تعاملات کلامی قضات و وکلای فارسی‌زبان ضروری است. همچنین ضرورت برنامه‌ریزی زبان حقوقی بین وکلا و قضات برای تضمین سلامت روند قضاوت احساس می‌شود.

پیشینه پژوهش

سانی^۸ (۲۰۱۶) روند قانونی بازجویی‌های دادگاه را در نیجریه

بررسی نموده و بر این باور است که ادبیات استفاده‌شده در این بازجویی‌ها خصومت‌آمیز، غیردوستانه و تهدیدآمیز بوده‌اند. عواملی مانند جایگاه اجتماعی، سن و مدرک تحصیلی، ملاک‌هایی برای تعیین مؤدب بودن در بازجویی‌ها در دادگاه‌های کشور نیجریه‌اند. سانی نتیجه می‌گیرد که برای حصول اطمینان از برقراری و اجرای عدالت در دادگاه‌ها باید زبان‌شناسان حقوقی همیشه در جلسات دادرسی حضور یابند. کاستین-والنتین اوآنسیا^۹ (۲۰۱۸) اظهار می‌دارد که انتخاب‌های زبانی‌ای که ما، به‌عنوان افراد یک گروه اجتماعی یا اعضای مربوط به یک جامعه گفتاری، انجام می‌دهیم، در نحوه درک اعضای دیگر گروه از ما بالاترین درجه اهمیت را دارند. تمرکز این مقاله بر نحوه‌ایست که یک فرد، از طریق الگوهای گفتاری خود، توسط دیگران (زبان‌شناسان اجتماعی یا زبان‌شناسان حقوقی) می‌تواند هویت‌دهی شود. این مقاله به تشریح ارتباط بین زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی حقوقی پرداخته است و ابزارهایی را که زبان‌شناسی اجتماعی و گویش‌شناسی می‌توانند به زبان‌شناسی حقوقی قرض بدهند، به‌طور خلاصه بیان کرده است. اوآنسیا نتیجه‌گیری می‌کند که انواع مختلف تحلیل‌های انجام شده (مانند تحلیل آکوستیک، تجزیه و تحلیل کمی یا کیفی) بینش ارزشمندی را در مورد کشف اینکه چه کسی یک متن را نوشته، یا گفتار خاصی را بیان و ثبت کرده است، ارائه می‌دهد. هلیویی^{۱۰} (۲۰۲۰) بیان می‌دارد که پژوهش وی با هدف بررسی ضمائر شخصی انجام شده و سعی کرده است از مدل‌های شناختی، مانند مدل توجه (لانگاکر^{۱۱}، ۱۹۸۷ و ۲۰۰۸) سازد که آیا می‌توان از ضمائر شخصی به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت در گفتمان^{۱۲} استفاده کرد. داده‌های این پژوهش برگرفته از دو گونه (ژانر) گفتمان حقوقی است: قراردادهای بیمه عمر و صورت جلسه دادگاه. نتایج نشان می‌دهد که انتخاب ضمائر شخصی خاص و نقش‌های خاص شرکت‌کننده که به ضمائر شخصی اختصاص داده شده‌اند، خاص گونه است. همچنین، مشخص شد که پویایی قدرت بین شرکت‌کنندگان مختلف هر ژانر و بین انواع مختلف شرکت‌کنندگان در جلسات دادگاه بر انتخاب ضمائر شخصی و نقش‌های شرکت‌کنندگان که به این ضمائر اختصاص داده می‌شوند، تأثیر می‌گذارد.

9. Costin-Valentin Oancea

10. Hlioui, A.

11. Langacker, R.W.

12. discourse

1. verbal interactions
2. legal and judicial events
3. legal interactions
4. lawyers
5. legal agents
6. forensic sociolinguistics
7. judges
8. Sanni, O.O.

می‌کند. همچنین، در بازجویی قضایی، گفتمان پلیس-متهم سازمان‌یافته و هدفمند است.

در تمامی پژوهش‌های ذکرشده در بالا اهمیت نقش عناصر اجتماعی در بافت حقوقی محرز است و بر ترکیب زبان‌شناسی اجتماعی با زبان‌شناسی حقوقی تأکید شده است. همچنین نتایج پژوهش‌های ذکر شده حاکی از این امر است که حضور زبان‌شناسان حقوقی در جلسات دادگاه گامی مؤثر در بدین وسیله اجرای عدالت است.

مبانی نظری پژوهش

از آنجایی که زبان و اجتماع و حقوق رابطه‌ای مستقیم، چندجانبه و حتی درهم‌تنیده با یکدیگر دارند، در این قسمت تعاملات متقابل زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی حقوقی به تصویر کشیده می‌شود.

علم میان‌رشته‌ای نوپای «زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی»، در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، از تلاقی دو حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی حقوقی به‌وجود آمده است. متخصصان این حوزه «زبان ارتباطی» را به‌عنوان اساس تحقیقات علمی خود در نظر می‌گیرند، و از رویکردها و نظریه‌های سه‌حیطه‌ای زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق برای تحلیل گفتمان‌های حقوقی استفاده می‌کنند و بر این باورند که دستاوردهای حوزه علمی زبان‌شناسی اجتماعی به موضوع‌های مطرح در بافت حقوقی کمک می‌کند و روند حقوقی رسیدگی به پرونده‌های قضائی را سرعت می‌بخشد. در این رشته علمی، متغیرها و عوامل اجتماعی که با تحقیقات آسیب‌شناسی جرایم، پیشگیری و نیز، حل و فصل مسائل قضایی و حقوقی مربوط می‌شوند، از دیدگاه زبان‌شناسی بررسی می‌شوند. (استاجی و همکاران، ۱۳۹۶)

رویدادهای حقوقی رویدادهای اجتماعی هستند و زبان در آن‌ها نقش مهمی اجرا می‌کند. در پژوهش حاضر، منظور از رویدادهای حقوقی تعاملات کلامی حقوقی است که در بافت‌هایی مانند بازجویی، محاکمه، شکایت و دادرسی که در دادگاه‌های شهر مشهد، بین قضات و وکلا به وقوع می‌پیوندد. درباره رابطه نظام زبان و نظام اجتماعی وارداف^۵ (۱۹۸۶) معتقد است که تقریباً تمامی پژوهش‌های زبانی با توجه به عواملی چون توزیع منطقه‌ای و یا اجتماعی آن زبان و رابطه آن زبان با اشیاء، افکار، رخدادها و سخنگویان و شنوندگان واقعی جهان خارج انجام می‌شود. همچنین، رابطه بین ساختار

موسوی و همکاران (۱۳۹۰) اظهار کرده‌اند که ادای شهادت از سوی شاهد، یا نوع الفاظ و شیوه بیان اقرار توسط مقرر، یا تنظیم اسناد مختلف از جانب خواننده و خواهان می‌تواند تابع عوامل مختلفی مانند جنسیت، سن، نژاد، قومیت، هوش، میزان سواد، و سلامت روحی و جسمی، و فرهنگ اجتماعی باشد. بنابراین، کشف مراد حقیقی افراد ذکرشده از سوی قاضی در برخی موارد تا حدودی دشوار می‌شود و این امر می‌تواند مانعی برای تحقق عدالت قضایی^۱ محسوب گردد. در این‌گونه موارد نقش مهم زبان‌شناسی قضایی (حقوقی) برای بررسی و تحلیل محتوای کلامی و سازوکار زبانی افراد دخیل در یک فرایند دادرسی به‌خوبی قابل‌درک است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که دانش میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی قضایی در دادرسی‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند و برای تحقق هر چه بیشتر عدالت، پیشنهادهایی برای ارائه به حقوق‌دانان ایرانی، مراجع ذی‌صلاح و دادگاه‌ها برای ترکیب دانش زبان‌شناسی و حقوق ارائه داده‌اند تا بدین‌وسیله افق جدیدی را پیش روی آن‌ها باز کنند.

زائری و همکاران (۱۳۹۶) در حیطه زبان و کلام در دادگاه به تحقیق پرداخته و دریافته‌اند که وکلا از روش‌های کلامی؛ یعنی استفاده از ماده‌ها و تبصره‌های قانونی، و نیز از راهبردهای کاربردشناختی، شامل حذف، اظهار، نام‌دهی، تأکید بر پشیمانی، و همچنین، انکار جرم متهم، استفاده می‌کنند و در گفتمان دادگاه، با هدف اقناع قضات، بر شیوه‌های فرازبانی تکیه می‌نمایند.

صبری و همکاران (۱۳۹۷) معتقدند که در تحلیل گفتمان در بافت قضایی، باید به عناصر اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای شود. آن‌ها به شناسایی ساختار گفتمان پلیس-متهم و واکاوی نقشی که پلیس در این گفتمان ایفا می‌کند، پرداخته‌اند. پانزده رخداد گفتمانی از جلسه‌های بازجویی پلیس در دادگاه‌های تهران به روش توصیفی-تحلیلی از سوی این پژوهشگران واکاوی شده‌اند. روش پژوهش آن‌ها روش کولتارد^۲ و جانسون^۳ (۲۰۰۷) است و از تقسیم‌بندی نقش‌های اجتماعی زبان (هلیدی^۴، ۱۹۷۳) نیز استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پلیس در هنگام بازجویی در ذهن خود تصویری از آنچه را رخ داده است، دارد و براساس آن و به‌منظور ترغیب متهم به اقرار علنی، شروع به پرس‌وجو

1. judicial justice

2. Coulthard, M.

3. Johnson, A.

4. Halliday, M.A.K.

5. Wardhaugh, R.

تحصیلات و کلا در تعاملات کلامی قضات با ایشان در این رویدادها به‌طور دقیق بررسی خواهد شد.

روند شکل‌گیری سؤالات مصاحبه پژوهش حاضر این‌گونه بود که نگارندگان ابتدا به بررسی پیشینه موضوع این پژوهش پرداخته و با توجه به تعاملات دو حیطه زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی حقوقی، پرسش‌هایی را برای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با قضات تنظیم نموده و سؤال‌های راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته را بر اساس اهداف و ادبیات پیشینه تحقیقات آثار پژوهشگران غیرایرانی و ایرانی و همچنین روابط مفروض و زیربنایی تحقیق تدوین و گردآوری نمودند. نگارندگان سؤال‌ها را بر اساس اهداف پژوهش حاضر طرح و تعدیل نموده‌اند تا مناسب تعاملات کلامی در رویدادهای حقوقی باشند. این سؤالات بر اساس شاخص‌هایی که در تعاملات کلامی قضات باید در نظر گرفته شوند، طرح شدند.

روش انتخاب شرکت‌کنندگان غیراحتمالاتی، در دسترس و هدفمند بوده که تا رسیدن به اشباع اطلاعات ادامه یافته است. بدین منظور، با تعداد ۲۴ نفر داوطلب از وکلای پایه یک دادگستری در دسترس شهر مشهد درباره نوع تعاملات کلامی قضات با آن‌ها، با توجه به متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات‌شان، مصاحبه شد.

دسته‌بندی متغیرهای اجتماعی بدین گونه بود: (الف) سن: تا ۴۰ سال جوان و ۴۰ سال به بالا مسن؛ (ب) جنسیت: مرد، زن، و (ج) تحصیلات: سواد حقوقی.

ابزار پژوهش، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود که به‌صورت انفرادی و در یک جلسه ۴۰ تا ۵۰ دقیقه‌ای برگزار شد و به هر کدام از مصاحبه‌ها بر اساس ترتیب زمانی اجرا کد داده شد. هر مصاحبه ابتدا تجزیه و تحلیل می‌گردید و سپس، مصاحبه بعدی صورت می‌گرفت. برای دستیابی به مقولات منظم در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوها (مضمون‌ها)ی موجود در درون داده‌های کیفی است (براون^۲ و کلارک^۳، ۲۰۰۶: ۷۸). این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون در سه مرحله کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵، و کدگذاری گزینشی^۶

اجتماعی و ساختار زبانی، رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی زبان و جامعه می‌توانند بر یکدیگر تأثیر بگذارند. اینکه ساختار و یا رفتار زبانی می‌تواند ساختار اجتماعی را متأثر یا تعیین کند نیز دیدگاهی است که در پس فرضیه وورف وجود دارد.

میان زبان و حقوق روابط زیادی وجود دارد چراکه اکثریت امور حقوقی از طریق زبان، چه به‌صورت گفتاری و چه به‌صورت نوشتاری، انجام می‌پذیرد. به‌عنوان نمونه، کیفرخواست، طرح دعوا و البته خود قوانین همه و همه از جنس گونه زبان نوشتاری هستند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۲). آقاگل‌زاده (۱۳۹۰: ۱۰۰) به نقل از گروت^۱ (۲۰۰۳) می‌نویسد که حقوق به زبان نیاز دارد و حتی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. حقوق نیز تأثیر قابل‌توجهی بر زبان دارد. قوانین حقوقی ممکن است نحوه تهیه و تدوین پیش‌نویس قوانین را تجویز نمایند؛ مثلاً کدام واژه‌ها می‌بایست برای تفسیرهای حقوقی خاص مورد استفاده قرار گیرند، یا از کاربرد کدام واژه‌ها می‌بایست اجتناب نمود. (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۹) صانعی (۱۳۸۱: ۵۰) درباره رابطه نظام حقوق با نظام اجتماع اشاره می‌کند که مکتب تاریخی حقوق، حقوق را محصول مقتضیات تاریخی یک اجتماع می‌داند. صانعی در ادامه می‌افزاید که کارل مارکس تحولی عظیم در طرز فکر حقوقی به‌وجود آورده و توجه علمای حقوق را به اهمیت و ضرورت تجزیه و تحلیل تأثیرات عوامل اجتماعی بر مسائل حقوقی جلب کرده است. همچنین، جرمی بنتام نیز در شناخت ماهیت اجتماعی حقوق تأثیر بسزا داشته است. یکی از مهم‌ترین خدمات او در تنویر افکار حقوقی آن بود که می‌گفت هدف قانونگذاری باید تأمین هدف‌ها و منافع اجتماع باشد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر سعی بر آن است با واکاوی و بررسی عملکردهای زبانی در رویدادهای حقوقی، نقش زبان‌شناسی اجتماعی در تعاملات کلامی حقوقی بین قضات و وکلا بررسی شود. رویکرد پژوهش کیفی، روش تحلیل آن، تحلیل مضمون و ابزار آن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. جامعه آماری پژوهش را وکلای شهر مشهد، ایران، تشکیل می‌دهند. موضوع مطالعه، تعاملات کلامی قضات با وکلای فارسی‌زبان در رویدادهای حقوقی (مانند جلسات دادرسی، بازپرسی و محاکمه) شهر مشهد در سال ۱۴۰۱ هجری شمسی است و تأثیر متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و

2. Braun, V.
3. Clarke, V.
4. open coding
5. axial coding
6. selective coding

1. Groot, Gerard R.

انجام شد. به این منظور، ابتدا محتوای مصاحبه‌ها به صورت متن پیاده‌سازی و تحلیل شد تا همه درون‌مایه‌ها مشخص شوند. سپس، عبارت‌های کلیدی استخراج شدند (کدگذاری باز) و مفهوم هر عبارت تحت عنوان کدگذاری محوری تنظیم گردید و در آخر، از این مفاهیم کدها و مضمون‌های مشخصی به دست آمد (کدگذاری گزینشی) که آن‌ها را با هم ترکیب کرده و سپس، این توصیف به شکل یک بیانیه شفاف و روشن تدوین گردیده است.

از میان شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، هشت نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، یازده نفر دارای کارشناسی ارشد و پنج نفر دارای مدرک دکتری بودند. تعداد ۹ وکیل خانم و ۱۵ وکیل آقا بودند که وضعیت تأهل و میانگین سنی آن‌ها بدین گونه است: یازده نفر متأهل و نه نفر مجرد که از این تعداد یازده نفر در گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال (جوان) و نه نفر در گروه سنی ۴۰ تا ۷۰ سال (مسن) قرار داشتند. سابقه کاری شرکت‌کنندگان بین هفت تا ۴۰ سال بود و به هر شرکت‌کننده یک شماره داده شد. در جدول (۱)، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت آمده است.

از میان شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، هشت نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، یازده نفر دارای کارشناسی ارشد و پنج نفر دارای مدرک دکتری بودند. تعداد ۹ وکیل خانم و ۱۵ وکیل آقا بودند که وضعیت تأهل و میانگین سنی آن‌ها بدین گونه است: یازده نفر متأهل و نه نفر مجرد که از این تعداد یازده نفر در گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال (جوان) و نه نفر در گروه سنی ۴۰ تا ۷۰ سال (مسن) قرار داشتند. سابقه کاری شرکت‌کنندگان بین هفت تا ۴۰ سال بود و به هر شرکت‌کننده یک شماره داده شد. در جدول (۱)، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت

| کل (n=24) | آقایان (n=15) | خانمها (n=9) | | |
|--------------|------------------|-----------------|-----------------|-------------|
| ۱۵ (۶۲٪/۵) | ۹ (۶۰٪) | ۶ (۶۶٪/۱۶۶) | جوان (۲۵ تا ۴۰) | سن (سال) |
| ۹ (۳۷٪/۵) | ۶ (۴۰٪) | ۳ (۳۳٪/۳۳) | مسن (۴۰ تا ۷۰) | |
| ۱۵ (۶۲٪/۵) | ۱۱ (۷۳٪) | ۴ (۴۴٪/۴۴) | متأهل | وضعیت تأهل |
| ۹ (۳۷٪/۵) | ۴ (۲۶٪/۷) | ۵ (۵۵٪/۵۵) | مجرد | |
| ۸ (۳۳٪/۳۳) | ۶ (۴۰٪) | ۲ (۲۲٪/۲۲) | کارشناسی | مدرک تحصیلی |
| ۱۱ (۴۵٪/۱۸۳) | ۶ (۴۰٪) | ۵ (۵۵٪/۵۵) | کارشناسی ارشد | |
| ۵ (۲۰٪/۱۸۳) | ۳ (۲۰٪) | ۲ (۲۲٪/۲۲) | دکتری | |

تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، برای تعاملات کلامی قضات با وکلا، در مرحله‌ی کدگذاری باز، پس از ادغام کدهای اولیه و مقایسه کدهای مشترک و حذف کدهای تکراری، تعداد ۸۵ کد به دست آمد. در کدگذاری محوری، تعداد دوازده کد به شرح زیر استخراج شد:

(۱) زیر سؤال بردن سواد وکیل؛ (۲) سواد قاضی؛ (۳) تفسیرپذیری قانون؛ (۴) جامعه‌شناسی؛ (۵) ادبیات؛ (۶) سن قاضی؛ (۷) شکاف بین قضات و وکلا؛ (۸) سن وکیل؛ (۹) دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر سن؛ (۱۰) دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر جنسیت؛ (۱۱) تأثیر جنسیت وکیل بر قاضی و (۱۲) تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی. در مرحله آخر نیز طبق فرایند کدگذاری گزینشی، سه کد استخراج شد که عبارتند از: چالش سواد، مسئله سن و بازخورد جنسیت. در ادامه، به تشریح نتایج پژوهش در قالب سطوح سه‌گانه کدگذاری پرداخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، برای تعاملات کلامی قضات با وکلا، در مرحله‌ی کدگذاری باز، پس از ادغام کدهای اولیه و مقایسه کدهای مشترک و حذف کدهای تکراری، تعداد ۸۵ کد به دست آمد. در کدگذاری محوری، تعداد دوازده کد به شرح زیر استخراج شد:

(۱) زیر سؤال بردن سواد وکیل؛ (۲) سواد قاضی؛ (۳) تفسیرپذیری قانون؛ (۴) جامعه‌شناسی؛ (۵) ادبیات؛ (۶) سن قاضی؛ (۷) شکاف بین قضات و وکلا؛ (۸) سن وکیل؛ (۹) دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر سن؛ (۱۰) دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر جنسیت؛ (۱۱) تأثیر جنسیت وکیل بر قاضی و (۱۲) تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی.

جدول ۲. کدگذاری

| بازخورد جنسیت | مسئله سن | چالش سواد | کدگذاری گزینشی |
|--|---|-------------------------|----------------|
| دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر جنسیت | سن قاضی | زیر سؤال بردن سواد وکیل | کدگذاری محوری |
| تأثیر جنسیت وکیل بر قاضی | شکاف بین قضات و وکلا | سواد قاضی | |
| تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی | سن وکیل | تفسیرپذیری قانون | |
| | دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر سن | جامعه‌شناسی ادبیات | |

مضمون اول؛ چالش سواد: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در نوع کلام قاضی با وکلا مسئله تحصیلات، چالش سواد، است. دسته‌های مفهومی (۱) زیر سؤال بردن سواد وکیل توسط

قضات؛ (۲) سواد قاضی؛ (۳) تفسیرپذیری قانون؛ (۴) جامعه‌شناسی و (۵) ادبیات، ذیل مقوله چالش سواد قرار گرفتند. در ادامه هر کدام از این دسته‌ها به تفکیک بررسی می‌شوند.

مضمون اول؛ چالش سواد: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در نوع کلام قاضی با وکلا مسئله تحصیلات، چالش سواد، است. دسته‌های مفهومی (۱) زیر سؤال بردن سواد وکیل توسط

زیر سؤال بردن سواد وکیل توسط قضات

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها بیانگر این است که بیشتر وکلای مورد مصاحبه در این پژوهش اظهار داشتند که به چالش کشیدن سواد آن‌ها توسط قضات امری بسیار رایج است، به‌خصوص اگر وکیل جوان باشد. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره (۳) (خانم، ۳۲ ساله، مجرد، هفت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق) اظهار داشت:

«جنسیت و سن در تعاملات کلامی قضات با ما وکلا تأثیر دارد. گاهی برخی قضات سواد حقوقی وکلا را به چالش می‌کشند، به‌خصوص اگر وکیل خانم باشی و جوان باشی یا کارآموز باشی و بخواهید وارد بحث با قضات بشوید. برخی قضات می‌گویند "تو هنوز کارآموز وکالتی، تو می‌خواهی به من درس بدهی." برخی قضات هم انصافاً به وکلای جوان احترام می‌گذارند، حتی اگر وکیل اشتباه بگوید.»

در مورد جنسیت وکیل هم دوگانگی تجربه زیسته وکلا حاکی از این بود که برخی از آن‌ها اظهار می‌داشتند که قضات مرد بیشتر سواد وکلای خانم را به چالش می‌کشند، یا به‌علت جنسیت آن‌ها، یا به‌علت تحقیر خانم‌ها، یا برای سر صحبت را باز کردن. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره (۱) (خانم، ۴۳ ساله، مجرد، هشت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی) اظهار داشت:

«جنسیت در تعاملات کلامی قضات با وکلا قطعاً تأثیر دارد. برای خود من به‌شخصه رخ نداده، ولی همکاران خانم گزارش کرده‌اند که هم قضات و هم وکلای مرد سواد حقوقی وکلای خانم را به چالش می‌کشند. به‌طور مثال، قضات می‌گویند: "برو قانون را یک نگاه بنداز. یک ورق بزن قانون رو." یا این جملات وکلا را تحقیر می‌کنند، حتی گاهی در حضور خود موکل سعی می‌کنند وکیل را بی‌سواد جلوه دهند. به‌عنوان نمونه، اتفاق افتاده است که قاضی به اصحاب دعوا گفته: "این چه وکیلی هست گرفتی؟" و وکیل را نزد آن‌ها خراب کرده و یا به وکیل می‌گویند: "آقای وکیل، خانم وکیل تو سواد نداری. برو دوباره قانون را بخوان." به‌طور کلی، قاضی بر نمی‌تابد که در دفتر دادگاه که خودش رئیس است، حرفی برخلاف میل و سوادش گفته شود و اگر حرفی زده شود که قاضی و سواد حقوقی‌اش را به چالش بکشد، آن‌گاه قاضی از موضع قدرت برخورد می‌کند.»

همچنین، مصاحبه‌شونده شماره (۸) (خانم، ۳۷ ساله،

مجرد، هفت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی حقوق) بیان می‌دارد که: «برخی از قضات سواد حقوقی وکلای زن و جوان را به چالش می‌کشند و از آنان بسیار سؤال می‌پرسند و سعی می‌کنند که وکیل را وارد بحث کرده و گیر بیاندازند. به‌طور مثال، از وکیل خانم می‌پرسند "نظرت چیه راجع به این موضوع؟"، حتی گاهی مثل بچه‌های مدرسه‌ای می‌خواهند از وکیل درس ببرند، مثلاً خیار فلان در فلان جا چگونه اعمال می‌شود؟". (توضیح نگارندگان: خیارات بحث مهم، پیچیده و کاربردی در حقوق ایران هستند که تسلط بر آن‌ها و محل اعمال و اجرای آن‌ها برای هر وکیل و قاضی‌ای جزء واجبات است. خیار از الفاظی است که در بیع کاربرد زیادی دارد. از این عنوان در تجارت سخن رفته است. در قانون منظور از خیارات، اختیارات است. طبق مبحث پنجم قانون مدنی ایران که راجع به انواع خیارات و احکام مربوط به آن است، ده نوع اختیار قانونی آورده شده است.) ماده ۳۹۶ قانون مدنی: خیارات از قرار ذیل‌اند: ۱) خیار مجلس؛ ۲) خیار حیوان؛ ۳) خیار شرط؛ ۴) خیار تأخیر ثمن؛ ۵) خیار رؤیت و تخلف وصف؛ ۶) خیار غبن؛ ۷) خیار عیب؛ ۸) خیار تدلیس؛ ۹) خیار تبعض صفقه؛ ۱۰) خیار تخلف شرط. (کاتوزیان، ۱۳۸۹)

برخی دیگر از وکلا نیز اظهار داشتند که قضات مرد سواد وکلای آقا را به چالش می‌کشند، زیرا نسبت به وکلای مرد حس رقابت و حسادت دارند. به اذعان تعداد زیادی از وکلا برخی از مفاهیم و اصطلاحات حقوقی وجود دارند که بسیار محل بحث، اختلاف و چالش سواد بین قاضی و وکیل هستند که موارد مبتلا به آن عبارتند از: ابطال و بطلان، فسخ، تفاسخ و انفساخ، درخواست فسخ و تأیید فسخ. به‌عنوان مثال، فسخ یک عمل حقوقی است که اعمال آن توسط طرفین قرارداد صورت می‌پذیرد. در طرح دعوا با خواسته تقاضای فسخ، خواهان درخواست فسخ را از دادگاه می‌نماید. این خواسته به‌درستی مطرح نگردیده است، چون فسخ توسط دادگاه انجام نمی‌پذیرد، بلکه دادگاه آن را تأیید می‌کند و از قبل توسط ذی‌حق باید اجرا و اعلام گردد.

سواد قاضی

از دیگر مباحث مهم مطرح شده در مصاحبه‌ها توسط وکلا، بحث سواد قاضی است. در مقابل زیر سؤال بردن سواد وکیل، به سواد خود قاضی نیز باید توجه شود. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره (۵) (آقا، ۳۷ ساله، مجرد، دوازده سال

رجل‌اند"، فقط منم. برخی قاضی‌ها تفسیری رو که خودش دوست داره می‌کنه. قانون برخی جاها واضح نیست. نظریه‌های مشورتی رو من میارم برای قاضی‌ها ولی برخی میگن: نه اون نظریه مشورتی هست و توجه نمی‌کنند.»

در تأیید سخن سایر وکلا، مصاحبه‌شونده شماره (۱۳) (آقا، ۳۸ساله، متأهل، نه سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی حقوق) همچنین بیان می‌دارد:

«جنسیت تأثیر داره، بیشتر خانم‌های وکیل به قانون استناد می‌کنند چون می‌خوان دقیق‌تر باشند و تعداد پرونده‌هاشون کم‌تره. در صورتی که قاضی اصلاً نمی‌خواند و خیلی وقت نمی‌ذاره و تفسیر خودش رو میده. به استناد به قانون بها نمیدن و ممکن است قاضی بگه تو می‌خواهی به من قانون یاد بدی.»

مصاحبه‌شونده شماره (۱۷) (آقا، ۴۰ساله، پانزده سال سابقه وکالت، متأهل، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا) می‌گوید:

«تنوع واژگانی و استاندارد بودن (صحبت وکلا) خیلی فراوان در متقاعد کردن قاضی تأثیر دارد. طرح مسئله خیلی مهم است، زیرا قانون تفسیر زیاد دارد و از یک موضوع برداشت‌های متفاوت میشه کرد و شاید همه برداشت‌ها هم صحیح باشد.»

جامعه‌شناسی و ادبیات

وکلا پایه یک دادگستری شهر مشهد در مصاحبه‌ها اشاره کردند که دانستن علوم دیگر مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و آداب معاشرت اجتماعی قضایی از جانب وکلا در ایجاد روابط و نوع کلام قاضی بسیار مهم و تأثیرگذار است. دارا بودن مجموعه علوم ذکر شده را می‌توان ذیل عنوان علم یا مهارت‌های ارتباطی قرار داد و این علوم با هم همبستگی دارند. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره (۱) (خانم، ۴۳ساله، مجرد، هشت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی) اظهار می‌دارد:

«به‌طور کلی صحبت کردن در دادگاه و بازپرسی عرف خاصی دارد و تا حدودی بحث روان‌شناسی هم در آن دخیل است. اگر وکیلی صحبت کردن تأثیرگذار را بلد باشد، در عین این‌که محکم و قاطع صحبت می‌کند و در کلامش کمال نجابت و وقار و ادب را رعایت کند، می‌تواند تأثیر مثبتی بر قاضی و نیز نوع کلامش بگذارد. وکیل موفق باید اطلاعات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و

سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا، عضو یکی از کمیسیون‌های کانون وکلا) می‌گوید:

«رعایت ادب از سوی قضات توانمندتر و باسوادتر که شخصیتی صبور و آرام دارند بیشتر است زیرا شنواتر هستند، خوب گوش می‌کنند و توجه می‌کنند، حتی وسط دعوی اصحاب دعوی نیز دخالت نمی‌کنند و به‌طور کلی محترمانه‌تر برخورد می‌کنند، آرای بهتری صادر می‌کنند و جلسه را نیز بهتر مدیریت می‌کنند. قاضی هرچه باسوادتر است متعاقباً با ادب‌تر، فهمیده‌تر و با شخصیت‌تر است. قاضی‌ای که بیشتر قهر می‌کند، داد می‌زند و ادبیات بد دارد اکثراً بی‌سوادتر است و با خشونت و دعوا می‌خواهد بی‌سوادش را پوشش دهد. قاضی خوب که بداخلاق باشد خیلی کم داریم. ولی قاضی‌ای که خوب و منصف است معمولاً خوش‌اخلاق نیز هست.»

تفسیرپذیری قانون

یکی از مؤلفه‌های مهم و قابل‌تأمل که در دادگاه باعث ایجاد بحث و چالش فراوان بین قاضی و وکیل می‌شود، مسئله تفسیرپذیری قانون است زیرا برخی مواد قانونی به‌گونه‌ای مبهم انشاء گردیده‌اند و امکان تفسیرهای متفاوت و متعدد از آن‌ها وجود دارد. در ادامه نمونه‌هایی از مصاحبه‌هایی که در آن وکلا به این مسئله اشاره کرده‌اند، آورده شده است.

مصاحبه‌شونده شماره (۲۱) (خانم، ۴۸ساله، متأهل، نه سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، چادری و وکیل معروف به‌خاطر منصب خاص خانوادگی و مذهبی) اظهار می‌دارد:

«قضات برخی سواد حقوقی بالایی دارند و وقتی وکیل دفاع و استدلال می‌کند، میرن بررسی می‌کنند و بعد رأی میدن. متأسفانه برخی قضات که تعدادشان کم هم نیست، حرف، حرف خودشان است و دفاعیات وکیل تأثیر نداره. قانون هست و طوری هست که برخی مواد قانونی قابل‌تفسیر است و خلاً داریم برخی جاها و اختلاف نظر هست، و هر چند شما استدلال کنی و نظر مشورتی هم بیاری، حرف‌های وکیل روی قاضی تأثیر نداره و میگن استدلال حقوقی من اینه.»

و یا مصاحبه‌شونده شماره (۲۳) (خانم، ۴۰ساله، مجرد، شانزده سال سابقه وکالت، دارای مدرک دکتری حقوق خصوصی) می‌گوید:

«جنسیت تأثیر نداره. خیلی قاضی مهم است، یک قاضی باسواد و بااخلاق مهم است. برخی قضات "انا

با قضات برقرار کنند. به‌طور کلی، زمانی که وکیل علاوه بر دانش بالای حقوقی، مهارت ارتباطی بالایی نیز داشته باشد می‌تواند با قضات ارتباط خوبی برقرار کند.»

مضمون دوم؛ مسئله سن: از دیدگاه

مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از عوامل بسیار تأثیرگذار در نوع کلام قاضی با وکلا مسئله سن است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان هم سن وکیل و هم سن قاضی را جزء عوامل تأثیرگذار بر نحوه تعاملات کلامی قاضی با وکلا بیان داشتند. دسته‌های مفهومی (۱) سن قاضی؛ (۲) شکاف بین قضات و وکلا؛ (۳) سن وکیل و (۴) دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر سن، ذیل مضمون مسئله سن دسته‌بندی شدند. اکنون هر کدام از این دسته‌ها در زیر بررسی می‌شوند.

سن قاضی و سن وکیل

دو کد محوری سن قاضی و سن وکیل بسیار با هم همبستگی دارند و به‌همین دلیل در زیر یک عنوان آورده شده‌اند. تعداد زیادی از وکلا اظهار داشتند که سن قاضی در نوع کلام و برخوردش، چه با وکلا و چه با اصحاب دعوی، بسیار تأثیرگذار است و هر چه سن قاضی و وکیل بالاتر می‌رود، بهتر و مجرب‌تر عمل می‌کنند چه در کلام و چه در رعایت عدالت. در راستای همین بحث، مصاحبه‌شونده شماره (۱۴) (آقا، ۷۰ساله، متأهل، ۴۰ سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی، دارای منصب خاص حقوقی) ابراز می‌کند:

«سن تأثیر دارد. بین جوان و مسن فرق می‌کند، با مسن‌ها بهتر صحبت می‌کنند. قضات ادب را معمولاً رعایت می‌کنند، مخصوصاً قضات تجدیدنظر با ادب‌ترند زیرا تجربه دارند. قاضی‌های جوان و تازه‌کار فکر می‌کنند دنیا دست آن‌هاست و اصلاً قبول نمی‌کنند، یک‌بار من به قاضی گفتم اشتباه کردی، گفت: "نخیر. رئیس قوه هم نمی‌تونه به من بگه اشتباه کردی."»

به‌همین شکل، مصاحبه‌شونده شماره (۲۰) (آقا، ۵۹ ساله، متأهل، ۲۵ سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی، دارای سمت خاص حقوقی) در مورد خطرناک بودن قاضی‌های مرد مسن گوشزد می‌کند و می‌گوید:

«جنسیت و سن هم وکیل و هم قاضی تأثیر دارد. نمونه داشتیم که قاضی به وکیل خانم جوان گفته "بیا جلوی میز" و ... برای وکلای جوان خانم کار کردن در نظام قضایی سخت است و ترجیحاً در کنار همکار مرد

آداب برخورد با مقام قضایی را به‌درستی بدانند تا تأثیرگذار باشد.»

و یا مصاحبه‌شونده شماره (۱۳) (آقا، ۳۸ساله، متأهل، نه سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی حقوق) درباره تأثیر دانش ادبیات وکیل بر کلام قاضی می‌گوید:

«ربطی به جنسیت و سن نداره، بستگی به خود وکیل دارد. مطالعه باید کرد و فن جلسه رو باید بدانی. روابط عمومی بالا داشته باشی و ادبیات خوب باشه. مثلاً من جلسه و لایحه‌هایم را با شعر شروع می‌کنم. شعر خواندن یا همشهری بودن با قاضی باعث ایجاد صمیمیت با قاضی می‌شود.»

در اهمیت دانش و مهارت‌های ارتباطی، مصاحبه‌شونده شماره (۱۷) (آقا، ۴۰ساله، متأهل، پانزده سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا) بیان می‌دارد که:

«حقوق خشک است. ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، لطفیه‌ها گاهی در پرونده مؤثرند زیرا بیان حقوقی همیشه کافی نیست. متقاعد کردن و نوع بیان خیلی مؤثرتره در پرونده تا یک کار حقوقی چون قاضی در طول روز با پرونده‌ها و تنش و دعوای زیادی روبرو است و اگر بتوانید او را قانع کنید و واژه‌ها و جملات رو بتوانی برچسب‌دار کنی، تأثیر بیشتری داره. استفاده از ضرب‌المثل و ادبیات بر اقناع قاضی تأثیر دارد. مثلاً تجربه شخصی خودم در یک پرونده که من وکیل خانم بودم و شوهر خیانت می‌کرد به همسرش، ما یک‌بار همسرش را تعقیب کردیم و مرد را با یک زن در یک خیابان تاریک و بن‌بست نیم‌ساعت زیر نظر داشتیم که در ماشین تنها بودند. بعد ما استدلال کردیم که آن‌ها رابطه خلاف شرع داشته‌اند. قاضی گفت خیر در نیم‌ساعت هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهند، و بنده به کتاب یازده دقیقه پائولو کوئیلو اشاره کردم که کل مراحل معاشقه یازده دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد و توانستم قاضی را قانع کنم.»

و در نهایت، مصاحبه‌شونده شماره (۲) (آقا، ۵۵ساله، متأهل، ۲۲ سال سابقه وکالت، دارای مدرک دکتری حقوق، دارای سمت خاص حقوقی) بیان می‌کند:

«در مورد سن هم به‌طور مطلق نمی‌توان نظر داد. قضات کنشگران عدالت اجتماعی هستند و در تعامل با وکلا نباید جنسیت و سن وکیل تأثیر در نوع کلام آن‌ها داشته باشد. در برخورد با قضات به‌کار بردن زبان حقوقی به‌تنهایی کافی نیست، وکلایی با دانش حقوقی بالا داریم که مهارت ارتباطی خوبی ندارند و نمی‌توانند ارتباط خوبی

می‌گویند فلان قاضی طرفدار زن یا مرد است، ولی از هر ۲۰ قاضی، شاید دو نفر را بتوان این‌گونه در نظر گرفت. نوع صحبت قضات با وکلا به خود وکیل و رفتار و کلام وکیل نیز بستگی زیادی دارد. به‌عنوان نمونه، اگر وکیل از پیش درباره قاضی اطلاعات داشته باشد می‌تواند نحوه صحبت و دیالوگ خودش را از قبل با قاضی آماده کند و با شخصیت قاضی تطبیق دهد. مثلاً، با یک قاضی باید بیشتر صحبت کرد ولی با یک قاضی باید کوتاه صحبت کرد. وکیل باید شناخت شخصیتی از نوع کلام و رفتار قضات داشته باشد و وکیل با یک برخورد اخلاق‌مدارانه همراه با احترام، صبر و شکیبایی می‌تواند ارتباط خوبی با قاضی برقرار کند. به‌طور کلی، هرچه هم وکیل و هم قاضی سنش بیشتر می‌شود با سعه صدر و آرامش و احترام بیشتری برخورد می‌کنند.»

مصاحبه‌شونده شماره (۱۷) (آقا، ۴۰ساله، پانزده سال سابقه وکالت، متأهل، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا) نیز با توجه به تجربه شخصی خود اظهار می‌دارد:

«هرچه سن وکیل کم‌تر باشد و وکیل جوان‌تر باشد، قاضی اقتدار بیشتری حس می‌کند و با جملاتی مانند "تو جای بچه من هستی، چطور وکیل شدی؟ چه وکیلی هستی این مسئله را نمی‌دانی؟" سعی می‌کنند سواد وکیل را به چالش بکشند.»

و در نهایت، مصاحبه‌شونده شماره (۱) (خانم، ۴۳ساله، مجرد، هشت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی) در مورد تأثیر سن وکیل در نوع برخورد و پاسخ‌گویی قضات اظهار می‌کند:

«سن در تعاملات کلامی قضات با وکلا قطعاً تأثیر دارد. به‌طور کلی، قضات هم در لحن و هم نوع گفتار با وکلای مسن بهتر برخورد می‌کنند. بیشتر قضات ملاحظات از نظر رفتاری و احترامی را در مورد وکلای مسن بیشتر رعایت می‌کنند. مثلاً، وقتی وکیلی در می‌زند و کار کوچکی دارد برخی قضات اگر وکیل جوان باشد به او می‌گویند "برو بعداً بیا." یا "الان کار داریم." ولی اگر وکیل مسن باشد کار او را سریع‌تر راه می‌اندازند.»

شکاف بین قضات و وکلا

مصاحبه‌شونده شماره (۲۰) (آقا، ۵۹ساله، متأهل، ۲۵ سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی، دارای سمت خاص حقوقی) پیشنهاداتی دارد و می‌گوید:

وارد پرونده بشن. مثلاً، در یک پرونده ما به‌خاطر وکیل خانم باختیم زیرا خانم وکیل به قاضی گفته بود: "موکل من می‌خواهد کمک کنه به دستگاه قضایی اگه خیریه جایی سراغ دارین، آدرس بدین که ما کمک کنیم ...".»

وی همچنین اضافه می‌کند:

«جنسیت و سن هم وکیل و هم قاضی تأثیر دارد. مراجعه به دادگاه اول صبح برای کارهای نشدنی مفید است. به‌عنوان نمونه، من هشت صبح رفتم دادگاه تجدیدنظر، قاضی روحانی بود و یک مشت دارو جلوش بود. گفتم: "چیکار می‌کنی؟ نکنه داری خودکشی می‌کنی؟" گفت: "نه، من مرده بودم، حضرت امام منو شفا داد." من گفتم: "من احترام می‌ذارم به اعتقاد شما و جنس نگاهت برام مهم است." بعد تونستم از موضع بالا با قاضی صحبت کنم و به قاضی بگم پرونده رو بخون و طرفین را دعوت کن بیان، حرف‌هاشون رو گوش کن. بعد قاضی دستور تعیین وقت داد. تمام هنر من این بود که طرفین را به جلسه دادرسی بکشانم. بعضی وقتا باید ابهت قاضی را بشکنیم. من می‌توانم ولی وکیل جوان نمی‌تواند این کار را بکند، چون من مسن هستم و این امتیاز ما است که قاضی نمی‌تواند خیلی با ما بد صحبت کند. همان‌طور که من با قاضی‌های زن جوان پدرانم برخورد می‌کنم، وکیل‌های جوان باید بتونن با قاضی‌های مسن پسرانه برخورد کند. غرور زیاد و کرنش زیاد در دادگاه جواب نمی‌دهد. ترکیب جسارت به‌علاوه احترام عالی است. قاضی باید ببینه که تو شوخی نداری، ترس نداری و محترمانه رفتار می‌کنی. برخی قاضی‌ها به من می‌گن: "لایحه‌ها تند و تیز است و از توش رنگ و بوی اهانت می‌یاد، داری ما را تحقیر می‌کنی، به کانون وکلا شکایت می‌کنیم." و من در جواب آن‌ها می‌گم: فروغ یه جمله داره که می‌گه من وقتی از یک گوشه‌ای رد می‌شم که بوی گند می‌یاد، نمی‌تونم شعر خوب بگم.»

مصاحبه‌شونده شماره (۵) (آقا، ۳۷ساله، مجرد، دوازده سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا، دارای منصب خاص حقوقی) این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

«قضات هم انسان هستند و خواه‌ناخواه در ضمیر ناخودآگاه خود با افراد روابط فکری دارند. ممکن است یک قاضی با جوان‌ها یا پیرها روابط بهتری داشته باشد، یا به‌طورمثال، نسبت به خانم‌ها گارد داشته باشد. به‌صورت موردی ممکن است که جنسیت یا سن وکیل در نوع کلام قضات تأثیر داشته باشد. به‌عنوان مثال،

آقا، ۳۴ ساله، متأهل، هشت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد جزا) ابراز می‌کند:

«جنسیت و سن تأثیر ندارد، بلکه تجربه تأثیر دارد. کلاً وکالت یک جنبه علمی دارد و یک جنبه تجربی. علمی در دانشگاه و با مطالعه به دست می‌آید، ولی تجربه از طریق وکالت در دادگاه‌ها، هر چقدر تجربه وکیل بیشتر باشد و بیشتر پرونده کار کرده باشد، بهتر می‌تواند قاضی را قانع کند. ممکن است یک وکیل جوان خیلی پرونده زیاد کار کرده باشد و تجربه زیادی داشته باشد. مثلاً یک وکیل مسن در ۱۰ سال صدتا پرونده کار کرده باشد، ولی یک وکیل جوان در دوسال صدتا پرونده یا حتی بیشتر کار کرده باشد.»

مضمون سوم؛ بازخورد جنسیت: از دیدگاه

مصاحبه‌شوندگان، یکی دیگر از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار در نوع کلام قاضی با وکلا بازخورد جنسیت است که به شیوه‌های مختلف مثبت، منفی و گاهی خنثی در این تعاملات بروز می‌یابد. در این مبحث نیز همانند سن، باید هم به جنسیت قاضی توجه کرد و هم به جنسیت وکیل. دسته‌های مفهومی (۱) دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر جنسیت؛ (۲) تأثیر جنسیت بر قاضی و (۳) تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی، ذیل مضمون بازخورد جنسیت قرار گرفتند و در ادامه، اکنون هریک به تفکیک بررسی می‌شوند.

دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر

جنسیت

نوعی دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر جنسیت دیده شد. برخی از وکلا اظهار می‌کردند که جنسیت وکیل در تعاملات کلامی قضات با وکلا تأثیر دارد و قضات مرد به وکلای زن بیشتر توجه می‌کنند و احترام می‌گذارند، و برخی دیگر نیز اظهار می‌کردند که قضات به وکلای مرد بیشتر احترام می‌گذارند و برخی نیز ادعا داشتند که جنسیت وکیل در کلام قاضی هیچ تأثیری ندارد. این چندگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر اجتماعی جنسیت را شاید بتوان این‌گونه تفسیر کرد که از عوامل مهم در نوع کلام برخورد قاضی با وکلا، شخصیت قاضی و شخصیت وکیل است که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان نیز به این مسئله اشاره کردند. در زیر نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها ارایه شده است که این دوگانگی را در جلسه دادرسی شرح می‌دهد.

به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره (۸) (خانم، ۳۷ ساله،

«اون‌ور قضیه رو نگاه کنیم یا اول بیاین قاضی‌ها را هم مثل وکلا دسته‌بندی کنیم هم از لحاظ جنسیت (زن، مرد) و هم از لحاظ سن (جوان، مسن). من به شخصه با قاضی‌های تجدیدنظر چون مسن هستند، راحت‌تر ارتباط می‌گیرم. داسرا رو دوست ندارم چون قاضی‌ها جوان‌ترند و به من به‌عنوان پدرش نگاه می‌کنه و به‌عنوان فاصله نسل‌ها، قاضی بدش نیمايد به من توهین کنه. قاضی‌های خانم با وکلای مرد راحت‌ترند شاید به‌خاطر سن من. خانم‌های قاضی به من به‌عنوان پدرشون نگاه می‌کنند زیرا خانم‌ها ارتباط بهتری با پدرشان دارند. ولی قاضی‌های مرد جوان حس خوبی به من ندارند، طوری رفتار می‌کنه که از من بیشتر می‌فهمه. قضات دادگاه تجدیدنظر مسن هستند و رفتار خوبی دارند و من می‌تونم باهاشون ارتباط خوبی بگیرم. مثلاً، در یک پرونده قاضی تحت تأثیر برخورد شخصیتی من قرار گرفت. وقتی من وارد جلسه شدم و قاضی ماسک زده بود در دوره کرونا، بهش گفتم "چرا ماسک نزدی؟ پس من هم نزنم؟" و با همین جمله باب دوستی باز شد. قاضی‌های مرد جوان با وکیل مرد مسن میانه خوبی ندارند، از اون طرف قاضی مسن با وکیل جوان ارتباط خوبی نداره، چون فکر می‌کنه اون بیشتر می‌فهمه و اطلاعاتش بیشتره. تقابل نسلی خودش را در دادگاه نشون میده. قاضی جوان خانم به من وکیل آقای مسن اعتماد بیشتری داره تا به وکیل خانم مسن یا جوان. قاضی‌های مرد جوان با همکاران وکیل خانم جوان بهتر رفتار می‌کنند یا حتی خیلی سخت می‌گیرند تا او را بشکنند و وکیل نرم بشه.»

دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص متغیر سن

و جنسیت

برخی از وکلای مصاحبه‌شونده معتقد بودند که از عوامل تأثیرگذار بر تعاملات کلامی قضات با وکلا، قدرت بیان وکیل یا ضعف بیان اوست که می‌تواند در اقناع قاضی و پیش‌برد پرونده تأثیرگذار باشد. در این خصوص، برخی از وکلا معتقد بودند که سن وکیل در قدرت بیان یا ضعف بیان او مؤثر است و برخی هم اعتقاد داشتند سن وکیل در این مسئله تأثیرگذار نیست. برخی از وکلا نیز بر این باور بودند که جنسیت وکیل بر قوت یا ضعف بیان او تأثیر دارد و گروه دیگر اظهار کردند که تأثیر ندارد، که حاکی از دوگانگی تجربه زیسته وکلا در خصوص ارتباط متغیر سن و جنسیت وکیل با قدرت یا ضعف بیان او و متعاقباً اثر آن بر نوع کلام قاضی با اوست. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره (۱۹)

در نهایت، مصاحبه‌شونده شماره (۱۲) (خانم، ۳۹ساله، مجرد، پانزده سال سابقه وکالت، دارای مدرک دکتری حقوق) اظهار می‌دارد:

«جنسیت و سن وکیل در نوع کلام قضات با وکلا تا حدودی تأثیر دارد. نمی‌توان با قاطعیت گفت که همه قضات جنسیت و سن وکیل برای آن‌ها در نوع کلامشان تأثیر دارد، البته این مسئله تا حدی به شخصیت خود قاضی نیز برمی‌گردد. مثلاً، یک قاضی به همه وکلا احترام می‌گذارد و آداب معاشرت را رعایت می‌کند، یا امکان دارد یک روز حال قاضی خوب نباشد و آن روز با وکیلی خوب صحبت نکند، ولی این مسئله را نمی‌توان به همه قضات و همه شعب تعمیم داد. اگر وکیل آشنا باشد با قاضی، قطعاً نوع صحبت قاضی با وکیل آشنا بهتر است یا اگر قاضی مغمم باشد، ممکن است به لحاظ بحث‌های مذهبی و اعتقادی با وکیل آقا راحت‌تر صحبت کند.»

تأثیر جنسیت بر قاضی، تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی

از آنجایی که دو کد محوری تأثیر جنسیت بر قاضی، تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی بسیار با هم همپوشانی دارند، در ذیل یک عنوان بررسی می‌شوند. برخی از وکلا اظهار داشتند که جنسیت وکیل نه‌تنها در نوع کلام قاضی تأثیر دارد، بلکه در نظر قاضی و حتی در صدور رأی نیز تأثیرگذار است. برخی از وکلا، هم وکلای خانم و هم آقا، نیز اظهار داشتند که برخی از وکلای خانم از ظرافت‌های زنانه‌شان استفاده می‌کنند تا رأی به‌نفع آن‌ها صادر شود. در ادامه نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها در راستای همین مبحث ارائه می‌شود.

مصاحبه‌شونده شماره (۱۵) (آقا، ۳۷ساله، مجرد، ده سال سابقه وکالت، دارای مدرک دکتری حقوق) صراحتاً اعلام می‌کند: «قطعاً جنسیت و سن وکیل در نوع تعاملات کلامی قضات با وکلا تأثیر دارد. البته این مسئله بستگی به خود قاضی نیز دارد، معمولاً قضات با خانم‌ها کمی محترمانه‌تر صحبت می‌کنند و با آقایون جدی‌تر. گاهی حتی جنسیت وکیل باعث تفاوت نظر قاضی نه‌تنها در کلام، بلکه در صدور رأی نیز می‌شود، مثلاً، به نفع جنسیت خاصی رأی می‌دهد.» همچنین، مصاحبه‌شونده شماره (۱۶) (آقا، ۳۶ساله، متأهل، نه سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق) نیز صراحتاً بیان می‌دارد:

«اصولاً در محاکم ما نگاه جنسیت‌زده وجود دارد؛ برخی قضات مرد با وکیل خانم بهتر صحبت می‌کنند و

مجرد، هفت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی حقوق) می‌گوید:

«جنسیت و سن وکیل در نوع کلام قضات با وکلا تأثیر چندانی ندارد. قضات راجع به وکلای جوان یا خانم جبهه ندارند و با آن‌ها خوب برخورد می‌کنند، این که چون وکیل خانم است به او توجه نکنند و یا برعکس، به خاطر خانم بودن وکیل به او امتیاز ویژه‌ای یا آوانس بدهند، وجود ندارد. ولی متأسفانه برخی وکلای مرد ضد وکلای زن صحبت می‌کنند و می‌گویند زمانی که قاضی مرد باشد وکلای زن بهتر رأی می‌گیرند. دیدگاه جنسیت‌زده برخی از وکلای مرد نسبت به وکلای زن باعث می‌شود بگویند که اگر در جلسه دفاع وکیل طرف مقابل زن باشد، آن‌ها قطعاً در آن پرونده بازنده می‌باشند و نمی‌توانند حکم بگیرند. از دیدگاه این‌گونه وکلای مرد، وکیل مرد بر علیه وکیل زن سخن می‌گوید تا توانایی‌های زنان را زیر سؤال ببرند و ناتوانی خودشان را در رأی نگرفتن و شکست در پرونده توجیه کنند. ... اگر وکیل زن رأی نیاورد، می‌گویند که وکیل زن هست دیگر و ناتوان بوده و رأی نیاورده. کلاً دیدگاه وکلای مرد این است که در برابر وکیل زن حتماً باید حکم به نفع خودشان صادر شود.»

به‌عنوان مثالی دیگر، مصاحبه‌شونده شماره (۲) (آقا، ۵۵ ساله، متأهل، ۲۲ سال سابقه وکالت، دارای مدرک دکتری حقوق، دارای سمت خاص حقوقی) بیان می‌کند:

«به‌طور مطلق نمی‌توان نظر داد، ولی جنسیت بر نوع تعاملات کلامی قضات با وکلا تأثیر دارد. می‌توان گفت که قضات مرد با وکلای خانم بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و برعکس، ولی این امر هم جنبه مطلق ندارد. نوع برخورد خود وکیل نیز در نوع تعاملات کلامی قضات با وکلا تأثیر بسیاری دارد.»

همچنین، مصاحبه‌شونده شماره (۱۷) (آقا، ۴۰ساله، متأهل، پانزده سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا) اظهار می‌کند:

«جنسیت و سن وکیل تأثیر بسیار زیادی بر نوع تعاملات کلامی قضات با وکلا دارد. قضات سواد حقوقی وکلا را به چالش می‌کشند. اگر قاضی آقا باشد، بیشتر سواد حقوقی وکلای آقا را به چالش می‌کشد زیرا حس رقابتی با وکیل آقا دارد ولی با خانم‌ها رقابت نمی‌کنند و برعکس، قضات خانم با وکلای خانم چالش دارند زیرا رقابت با جنس موافق است.»

برعکس. تعداد قضاتی که نگاه جنسیتی دارند زیاد است. نگاه جنسیتی قضات می‌تواند به دلایل خاصی باشد مثلاً اینکه خانم‌ها زیباترند یا بهتر لباس می‌پوشند. هرچه سن قاضی بالاتر می‌رود، برخوردهای کلامی و رفتاری‌شان نیز بهتر است و با صبر و حوصله بیشتری با وکلا صحبت می‌کنند و جنسیت‌زده نیز برخورد نمی‌کنند. او همچنین اضافه می‌کند: «برخی خانم‌ها از ظرافت‌های زنانه‌شان استفاده می‌کنند و حتی رأی می‌گیرند.»

مصاحبه‌شونده شماره (۷) (آقا، ۳۵ ساله، مجرد، هفت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی حقوق) درباره تأثیر جنسیت بر قضات می‌گوید:

«برخی قضات نسبت به خانم‌های وکیل نگاه دیگری دارند، انگار خانم برایشان جذاب‌تر است، در جواب وکلای مرد خیلی وقت‌ها برخی قضات حتی جواب سلام وکلای مرد را هم نمی‌دهند.»

و در نهایت، در خصوص تأثیر جنسیت وکیل بر قاضی، مصاحبه‌شونده شماره (۳) (خانم، ۳۲ ساله، مجرد، هفت سال سابقه وکالت، دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق) به صراحت و با گله‌مندی می‌گوید:

«متأسفانه وجود دارند شعبات کمی که برخورد کلامی قاضی عالی است ولی وکیل خانم را نگاه می‌دارد تا...»

بحث و نتیجه‌گیری

رشد فزاینده تحقیقات کیفی در سال‌های اخیر، منجر به برداشتن گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی آن‌ها شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تعاملات کلامی قضات با وکلا در شهر مشهد، با توجه به متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن و تحصیلات وکلا انجام شد و در نتیجه چگونگی تجلی این عوامل را در کلام قضات تبیین نمود. نگارندگان به این نتیجه دست یافتند که سن، جنسیت و تحصیلات وکلا در نوع کلام قاضی با آن‌ها، پاسخ‌گویی و حتی صدور رأی قاضی تأثیر دارد. جنسیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کلیشه‌های جنسیتی در این حیطه بسیار پررنگ و پرحاشیه‌اند. یکی از مسائلی قابل‌تأملی که در مصاحبه‌ها توسط وکلا اظهار شد، اهمیت شخصیت قاضی و شخصیت وکیل در تعاملات کلامی قضات با وکلا بود که حاکی از این امر است که شخصیت خود افراد از سن، جنسیت و سواد آن‌ها تأثیرگذارتر است. بسیاری از پرونده‌ها

برای قاضی و وکیل بحران ایجاد می‌کنند که اگر این افراد از قبل بر روی شخصیت خود کار کرده باشند، آنگاه می‌توانند در آن بحران خود را هم از لحاظ کلامی و هم رفتاری به‌خوبی مدیریت کنند. متغیرهای روان‌شناختی و شخصیتی مرتبط با مدیریت شرایط بحرانی باید قبل از به‌وجود آمدن این شرایط در فرد وجود داشته باشند زیرا در هر موقعیتی هم عوامل شخصی و هم عوامل محیطی در رفتار فرد تأثیر دارند. اگر قاضی و وکیل شخصیت مجربی داشته باشند؛ یعنی عوامل شخصیت خود را بهبود داده باشند، حتی اگر عوامل محیطی (پرونده و تنش‌ها و بحران‌هایش) علیه آن‌ها باشند، خیلی خوب می‌توانند آن موقعیت یا بحران را مدیریت کنند و اجازه ندهند که منجر به بروز بحران در کلام و رفتارشان شود.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نوع کلام قضات با وکلا با توجه به متغیرهای اجتماعی خاص، جنسیت، سن و تحصیلات وکلا، به این نتیجه رسیده است که بسیاری از قضات از طریق زبان و کلام‌شان اعمال قدرت می‌کنند. انعکاس روابط قدرت را می‌توان در گفتمان قضات با وکلا چه به‌صورت خشونت کلامی، یا خشونت منفعلانه، و در قالب لحن غیردوستانه آن‌ها با وکلا در جلسات دادرسی مشاهده کرد. این نتیجه با نتایج پژوهش هلیویی (۲۰۲۰) مبنی بر اینکه پویایی قدرت بین شرکت‌کنندگان مختلف هر ژانر و بین انواع مختلف شرکت‌کنندگان در جلسات دادگاه بر انتخاب ضمائر شخصی و نقش‌های شرکت‌کنندگان که به این ضمائر شخصی اختصاص داده می‌شوند تأثیر می‌گذارد، تا حدی هم‌سوست.

سانی (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی مشابه روند قانونی بازجویی‌های دادگاه را در کشور نیجریه بررسی نموده است. وی بر این باور است که ادبیات مورد استفاده در این بازجویی‌ها خصومت‌آمیز، غیردوستانه و تهدیدآمیز هستند. عواملی مانند جایگاه اجتماعی، سن و مدرک تحصیلی ملاک‌هایی برای تعیین رعایت ادب در بازجویی‌ها در دادگاه‌های نیجریه هستند. نتایج پژوهش حاضر نیز از این جهت که عوامل اجتماعی بر نوع کلام و ادبیات قضات با وکلا تأثیرگذارند، با نتایج پژوهش سانی هم‌سوست.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این است که در بافت قضایی به عناصر اجتماعی توجه ویژه‌ای می‌شود و قضات در تعامل کلامی خود با وکلا به سن، جنسیت و تحصیلات وکیل توجه دارند. این نتیجه با نتایج پژوهش صبری و همکاران (۱۳۹۷) مبنی بر اینکه در تحلیل گفتمان در بافت قضایی،

را می‌توان در گفتمان قضات با وکلا چه به صورت خشونت کلامی، یا خشونت منفعلانه و در قالب لحن غیردوستانه آن‌ها با وکلا در جلسات دادرسی مشاهده کرد. با توجه به عدم توازن قدرت در بافت حقوقی، بسیاری از وکلا اظهار داشتند که در مقابل کلام پرخاشگرانه قضات چاره‌ای جز کوتاه آمدن ندارند زیرا بحث با قضات به ضرر آن‌ها و موکل‌شان خواهد بود.

شایان ذکر است که داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از این است که در موارد زیادی این داده‌ها و مضامین با هم همپوشانی دارند و ایجاد مرز دقیق و جدا کردن سه متغیر اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات از هم امکان‌پذیر نبوده است. به همین علت، نمونه‌ها و مثال‌هایی که در زیر برخی کدها آورده شده‌اند (مثلاً در ذیل مجموعه مسئله سن با کد باز خورد جنسیت) با هم همپوشانی دارند و گزارش آن‌ها به‌طور مجزا در همه موارد امکان‌پذیر نبود که این امر ناشی از همبستگی بسیار زیاد این متغیرهای اجتماعی و تأثیر متقابل و چندجانبه آن‌ها در تعاملات کلامی قضات با وکلا است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که سن و تحصیلات با هم بسیار همبستگی دارند و هرچه سن بالا می‌رود به تبع آن دانش علمی، اجتماعی و درک فرد هم بالاتر می‌رود که با هم اثر همپوشانی دارند و در نتیجه نوع تعاملات قضات و وکلا با هم مطلوب‌تر و عدالت‌محورتر می‌شود.

نوآوری این پژوهش در این است که تعاملات کلامی قضات با وکلا در جلسات دادرسی با توجه به سه عامل اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات وکلا و به‌طور خاص در جغرافیای شهر مشهد که شهری مذهبی است بررسی گردیده است. از نتایج این پژوهش می‌توان برای بهبود تعاملات کلامی کارگزاران حقوقی استفاده کرد.

در اینجا لازم است اشاره شود که مانند هر پژوهش دیگری، این پژوهش نیز محدودیت‌هایی داشته است. به‌عنوان یک محدودیت کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که نتیجه پژوهش‌های کیفی را نمی‌توان تعمیم داد؛ ممکن است یافته‌های این پژوهش در مورد سایر محیط‌های حقوقی و شهرهای دیگر ایران مصداق نداشته باشد و چه‌بسا اگر همین موضوع در زمانی دیگر یا پژوهشگرانی متفاوت انجام شود، به نتایج متفاوتی برسد. بر این اساس، در مورد تعمیم نتیجه حاصل از مصاحبه با گروهی کوچک از وکلا به کل گروه وکلا و قضات باید با احتیاط رفتار کرد. در انجام پژوهش حاضر نگارندگان با محدودیت‌هایی مواجه بودند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تمایل نداشتن تعداد زیادی از

باید به عناصر اجتماعی توجه ویژه‌ای شود، هم‌سوست. شایان ذکر است که آن‌ها به شناسایی ساختار گفتمان پلیس-متهم و واکاوی نقشی که پلیس در این گفتمان ایفا می‌کند، پرداخته‌اند و گفتمان پلیس-متهم را در دادگاه‌های تهران بررسی کرده‌اند، درحالی‌که پژوهش حاضر گفتمان قاضی-وکیل را در جغرافیای شهر مشهد از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی بررسی نموده که تاکنون سابقه نداشته است.

نتیجه دیگر این پژوهش که با نتایج زائری و همکاران (۱۳۹۶) در حیطه «زبان و کلام در دادگاه» هم‌سوست، این است که وکلا از روش‌های کلامی و راهبردهای کاربردشناختی با هدف اقناع قضات استفاده می‌کنند. پژوهش حاضر نیز مانند پژوهش ایشان در حیطه کلام در دادگاه است، اما متمرکز بر نوع تعامل کلامی قضات با وکلا با توجه به سه متغیر اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات وکلا است، درحالی‌که زائری و همکاران فقط به بررسی نوع کلام وکلا پرداخته‌اند و خلاء موجود در پژوهش حاضر درک و بررسی شده است. در پژوهش ایشان متغیرهای اجتماعی مورد بحث در نظر گرفته نشده‌اند، درحالی‌که نگارندگان پژوهش حاضر اهمیت و تأثیر این متغیرها را درک کرده و در نظر گرفته‌اند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۰) بیان کرده‌اند که ادای شهادت توسط شاهد، یا نوع الفاظ و شیوه بیان اقرار توسط مقرر، می‌تواند تابع عوامل مختلفی مانند جنسیت، سن، نژاد، قومیت، هوش، میزان سواد و سلامت روحی و جسمی، فرهنگ اجتماعی باشد. بنابراین، کشف مراد حقیقی افراد ذکرشده توسط قاضی در برخی موارد تا حدودی دشوار می‌شود و این امر می‌تواند مانعی برای تحقق عدالت قضایی محسوب گردد. پژوهش حاضر نیز از این جهت که تعاملات کلامی قضات با وکلا متأثر از جنسیت، سن و تحصیلات وکلا است، با پژوهش موسوی و همکاران هم‌سو است. ولی تفاوت عمده در این است که در پژوهش حاضر به تعاملات کلامی قضات با وکلا در شهر مشهد پرداخته شده است، درحالی‌که موسوی و همکاران کلام شاهد و مقرر را بررسی کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که نتایج این پژوهش درباره تأثیر متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات وکلا بر کلام قاضی با آن‌ها، با پژوهش‌های قبلی در همین راستا هم‌سوست. به اذعان بسیاری از وکلای مصاحبه‌شونده، در رویدادهای حقوقی شهر مشهد روابط فرادستی و فرودستی حاکم است. بسیاری از قضات از طریق زبان و کلام‌شان اعمال قدرت می‌کنند. انعکاس روابط قدرت


از آن‌جا که پژوهش حاضر تنها از دیدگاه وکلای شهر مشهد، به نوع تعاملات کلامی قضات با وکلا پرداخته است، پیشنهاد می‌شود که در آینده پژوهشگران به بررسی نوع تعاملات کلامی قضات با وکلا از دیدگاه قضات نیز بپردازند و جویای نظر قضات بشوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در شهرهای بزرگ دیگر ایران نظیر تهران، اصفهان، تبریز و شیراز نیز انجام شود و نتایج حاصل با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود زیرا جو جغرافیایی و قومیتی شهرهای دیگر قطعاً بر تعاملات کلامی در دادگاه‌ها تأثیر فراوان دارد. سپس، نتایج در اختیار قوه قضاییه، دادگاه‌ها و کانون‌های وکلا قرار داده شود تا بتوان اقدامی عملی و شایسته برای بهبود تعاملات کلامی در دادگاه‌ها انجام داد و از این طریق اجرای بهتر عدالت را در دادگاه‌ها شاهد باشیم زیرا بخشی از اجرا و تحقق عدالت، عدالت در کلام می‌باشد.

وکلا برای مصاحبه اشاره کرد زیرا برخی از آن‌ها از این‌که درباره نوع گفتمان قضات با وکلا صحبت کنند، ترس داشتند و از آن اجتناب می‌کردند. تلاش نگارندگان بر آن بود تا با ارایه نقل‌قول‌هایی از زبان وکلا فرصتی را برای آن‌ها به‌وجود بیاورند تا به بیان دیدگاه‌ها و نظرات شخصی‌شان بپردازند تا از این طریق بتوان گامی مؤثر در جهت بهبود تعاملات کلامی و اجرای عدالت کلامی در دادگاه‌ها برداشت. با انجام پژوهش‌هایی در این حیطه، همین که مجریان قانون متوجه امر خطیر زبان شوند، خود گامی است رو به جلو در جهت تحقق عدالت کلامی، چون در هر صورت گریزی از تسلط گفتمان قدرت در تقنین و تعاملات کلامی در رویدادهای حقوقی نیست. شاید نتوان گفتمان حقوقی عدالت‌محور محض داشت اما می‌توان از سقوط در ورطه سوگیری پرهیز کرد.

منابع

- عوامل اجتماعی و روانی. تهران: انتشارات طرح نو.
- صبری، مژگان؛ استاجی، اعظم؛ الیاسی، محمود. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان پلیس-متهم در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی». *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*. دوره دوم، شماره اول (پیاپی ۳)، صص ۹۹-۱۰۹.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. ویرایش چهارم، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر میزان.
- موسوی، سیدفضل‌اله؛ موسوی، سیدمهدی؛ رضانی، احمد. (۱۳۹۰). «نقش زبان‌شناسی قضایی در تحقق عدالت قضایی». *حقوق تطبیقی (نامه مفید)*. ۷ (۱۷) (۲) (۸۸).
- صص ۳-۲۴.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*؛ تهران: نشر علم.
- استاجی، اعظم؛ صبری، مژگان؛ الیاسی، محمود. (۱۳۹۶). «معرفی اجمالی زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی و کاربردهای آن». *مجله زبان کوی*. شماره ۵، صص ۸۳-۹۶.
- زائری، عظیمه؛ آقاگل‌زاده، فردوس؛ عامری، حیات. (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرازبانی وکلا جهت اقناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری (زبان‌شناسی حقوقی)». *جستارهای زبانی*. ۸ (۵)، صص ۱۵۸-۱۳۹-۱۵۸.
- صانعی، پرویز. (۱۳۸۱). *حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با*
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Oancea, C-V. (2018). Unravelling identity: Sociolinguistics and forensic linguistics. *The Annals of Ovidius University of Constana: Philology Series*, 2, 75-82.
- Coulthard, M., & Johnson, A. (2007). *An introduction to forensics: Language in evidence*. New York: Routledge Co.
- Groot, R. G. (2003). *Language and Law*. The Netherlands: Maastricht University Press.
- Halliday, M. A. K. (1973). *Explorations in the functions of language*. London: Edward Arnold.
- Hlioui, A. (2020). A cognitive and systemic functional approach of the use of personal pronouns in legal discourse: Life insurance contracts and court hearings as a case study. *The International Journal of Speech, Language and the Law*, 27(1), 99-101.
- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of cognitive grammar (Vol.1): Theoretical prerequisites*. Stanford, CA: Stanford University Press.

- Langacker, R.W. (2008). *Cognitive grammar: A basic introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Sanni, O. O. (2016). The role of forensic linguists in courtroom cross-examinations. *IFE Studies in English Language (ISEL)*, 12(2), 1-13.
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics* (Vol. 1): *Concept structuring systems*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Wardhaugh, R. (1986). *An Introduction to sociolinguistics*. USA: Basil Blackwell Ltd

| | |
|---|--|
|  | <p>COPYRIGHTS © 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0)</p> |
|---|--|